



An Analysis of the Transmission and Text of Reports on Lahn in Quranic Orthography *

Ghasem Bostani ¹ and Sima Albooghbysh ²

Abstract



The presence of specific terms in the Quran that deviate from standard Arabic orthography has historically prompted inquiries into the underlying reasons, justifications, and the validity of these variations. A significant source for this discourse includes the accounts relayed by the Companions and Followers concerning these orthographic anomalies. These accounts explicitly discuss the identification of errors in the Quranic text, alongside the affirmation, denial, or rationale for such discrepancies. However, what exactly are these accounts? How trustworthy are they? And what historical context do they belong to? This article employs an analytical-descriptive approach, utilizing library resources to compile, evaluate, and scrutinize these accounts, with a particular emphasis on identifying their chronological origins. The results suggest that these accounts likely trace back to the latter part of the 3rd century AH regarding both their transmission and textual content, making it challenging to assert their existence during the time of the Companions. Furthermore, the transmission chains associated with the reports attributed to Uthman do not meet the requisite standards for reliability, thus rendering them inadequate as reliable evidence.

Keywords: Hadith Criticism, Methodology of Transmission and Text Analysis, Orthography, Quran.

*. **Date of receiving:** 23/08/2023, **Date of approval:** 17/11/2024.

1. Full Professor in Quranic and Hadith Sciences Department at Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author): Gbostanee@yahoo.com.

2. PhD Candidate in Quranic and Hadith Sciences at Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. s.albooghbysh2016@gmail.com.



تحلیل اسناد و متن اخبار لحن در رسم الخط *

قاسم بستانی^۱ و سیما آلبوغبیش^۲



چکیده

وجود برخی کلمات در قرآن کریم که رسم الخط آنها با املائی رسمی عربی تفاوت دارد، از دیرباز پرسش‌هایی را درباره علل، دلایل و درستی یا نادرستی این اختلاف‌ها مطرح کرده است. یکی از منابع مورد استفاده در این بحث، نقل‌هایی است که از صحابه و تابعین درباره این تفاوت‌های رسم الخطی روایت شده است. این اخبار به صراحت به وجود خطا در کتابت قرآن و تأیید، رد یا توجیه این موارد اشاره می‌کنند. اما این اخبار کدامند؟ تا چه اندازه معتبرند؟ و به چه زمانی برمی‌گردند؟ مقاله پیش رو که به روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده، تلاش دارد این اخبار را گردآوری، نقد و بررسی کرده و به‌ویژه زمان پیدایش آنها را مورد بررسی قرار دهد. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که احتمالاً این اخبار از لحاظ سند و متن به نیمه دوم قرن سوم هجری برمی‌گردند و نمی‌توان به آسانی اثبات کرد که در عصر صحابه به وجود آمده‌اند. همچنین، شبکه اسناد مرتبط با اخبار منتسب به عثمان فاقد شرایط لازم برای ایجاد اطمینان است و بنابراین نمی‌توان از آن به عنوان مدرکی معتبر استفاده کرد. واژگان کلیدی: نقد حدیث، روش تحلیل اسناد و متن، رسم الخط، قرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸.

۱. استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول): Gbostanee@yahoo.com.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران: s.albooghobysh2016@gmail.com.



مقدمه

رسم الخط قرآن از دیرباز موضوع بحث و گفتگو در میان قرآن پژوهان بوده است. وجود برخی کلمات در قرآن کریم که با رسم الخط رسمی عربی مغایرت دارند، پرسش‌های مختلفی را در مباحث تاریخ قرآن مطرح کرده است. در این میان، برخی از اخبار اهل سنت بر پیچیدگی موضوع افزوده‌اند. این اخبار به صراحت از وجود لحن و خطا در کتابت قرآن سخن می‌گویند. واژه "لحن" در لغت معانی متعددی دارد، از جمله: (الف) آواز و صوت؛ (ب) لهجه؛ (ج) خطا و اشتباه، که می‌تواند در نگارش، سخن، خواندن، اعراب و موارد مشابه باشد (ازهری، بی‌تا، ۴/۴۱؛ ابن فارس، بی‌تا، ۵/۲۳۹؛ جوهری، بی‌تا، ۶/۲۱۹۳؛ راغب اصفهانی، بی‌تا، ۷۳۸؛ ابن اثیر، ۴/۲۴۱؛ فراهیدی، بی‌تا، ۳/۲۳۰؛ مصطفوی، بی‌تا، ۱۰/۱۷۸) و معنای اخیر، مورد نظر این مقاله است.

اعتبار اخبار دال بر وجود خطا در قرآن، از حیث سند و متن، همواره محل تأمل و مناقشه بوده است؛ همچنین این اخبار از حیث زمان ظهور در میراث حدیثی، یعنی تاریخ‌گذاری آنها، مورد بحث قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که این اخبار عمدتاً توسط اهل سنت نقل شده و بعضاً از سوی برخی از آنان نقد و بررسی شده‌اند. نتایج این بررسی‌ها اغلب به ضعف سند و محتوای این اخبار اشاره داشته و گاهی نیز توجیهاتی نه‌چندان قانع‌کننده در همدلی با آنها ارائه شده است. این اخبار عمدتاً در منابع اهل سنت وجود دارند و اغلب آنها به عثمان بن عفان و تعدادی نیز به دیگران، مانند عایشه و سعید بن جبیر، برمی‌گردند. مضمون کلی این اخبار به دو صورت زیر است: (الف) تشخیص خطا در رسم الخط قرآن توسط عثمان، وقتی که مصاحف به او عرضه شد؛ او از تغییر آنها اجتناب کرده و تصحیح آنها را به عرب‌ها واگذار کرده است. (ب) تشخیص خطا در رسم الخط قرآن توسط دیگران که این خطاها را به کاتبان وحی نسبت داده‌اند.

بحث درباره رسم الخط و قرائت قرآن یکی از مباحث مهم در حوزه تاریخ قرآن است و از دیرباز توسط دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان از زوایای مختلف بررسی شده است، (ر: ک؛ رضایی هفتادر، ۱۴۰۲) از جمله در آثاری مانند «تاریخ قرآن» (فصل سوم) تنودور نولدکه، «شبهات و ردود حول القرآن الکریم» از محمدهادی معرفت، و «نقد و بررسی اخبار وارده درباره رسم الخط قرآن» از قاسم بستانی (صحیفه، شماره ۲، ۱۳۹۴). با این حال، این پژوهش برای نخستین بار به تاریخ‌گذاری این اخبار می‌پردازد.

تاریخ‌گذاری روشی است که به تعیین خاستگاه و سیر تطور احادیث می‌پردازد. این روش به صورت گسترده توسط خاورشناسان به کار گرفته شده و بهره‌گیری از آن در کنار روش‌های نقد حدیثی ضروری به نظر می‌رسد، زیرا برخی خاورشناسان در مباحث تاریخ قرآن به اخباری مانند اخبار عثمان اشاره کرده‌اند. برای نمونه، نولدکه در تاریخ قرآن خود بخشی از این اخبار را آورده است (نولدکه، بی‌تا، ۴۴۳). برای پاسخ‌گویی و برقراری گفتگوی علمی میان مسلمانان و خاورشناسان، می‌توان از روش‌های مقبول آنان نیز استفاده کرد.

تاریخ گذاری حدیث به معنای تعیین زمان، مکان، پدیدآورنده و سیر تغییرات یک حدیث در بستر تاریخ است (معارف، ۱۴۰۰: ۱۰۴؛ آقایی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). به طور کلی، تاریخ گذاری دارای دو روش است: الف) تاریخ گذاری بیرونی (External dating)، که به تاریخ گذاری حدیث با استفاده از اطلاعات بیرون از سند یا متن حدیث می پردازد؛ ب) تاریخ گذاری درونی (Internal dating)، که به تاریخ گذاری حدیث با استفاده از اطلاعات موجود در سند و متن حدیث می پردازد (آقایی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). روش دوم خود شامل چهار روش است: ۱. تاریخ گذاری بر اساس نخستین منبع؛ ۲. تاریخ گذاری بر اساس تحلیل سند؛ ۳. تاریخ گذاری بر اساس متن؛ ۴. تاریخ گذاری بر اساس تحلیل ترکیبی سند و متن (آقایی، ۱۳۹۴: ۲۳)، که این روش در این مقاله برای بررسی اخبار مورد بحث به کار گرفته می شود. پیش از اجرای روش ترکیبی سند-متن، تمامی تحریرهای حدیث از منابع اسلامی گردآوری می شود. دامنه منابع محدود به منابع حدیثی نیست؛ بلکه در کنار جوامع حدیثی رسمی و غیررسمی، آثار مغازی و سیره، کتاب های رجال و تراجم، و حتی متون تفسیری نیز بررسی می شود (آقایی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

الف. تاریخ گذاری اخبار عثمان

برخی از اخبار دال بر وجود خطا در کتابت قرآن به سخنان عثمان پس از پایان نگارش مصاحف اشاره دارند. ابوعبید قاسم بن سلام (ه. ۲۲۴ ق) در کتاب فضائل القرآن چنین نقل می کند: «حَدَّثَنَا أَبُو عُبَيْدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا حَجَّاجٌ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى، قَالَ: أَخْبَرَنِي الزُّبَيْرُ بْنُ الْخَزِيمَةِ، عَنْ عِكْرِمَةَ، قَالَ: لَمَّا كُتِبَتِ الْمَصَاحِفُ عُرِضَتْ عَلَى عُثْمَانَ، فَوَجَدَ فِيهَا حُرُوفًا مِنَ اللَّحْنِ، فَقَالَ: لَا تُغَيِّرُوهَا فَإِنَّ الْعَرَبَ سَتُغَيِّرُهَا، أَوْ قَالَ: سَتُعَرِّبُهَا بِالسِّيَةِ، لَوْ كَانَ الْكَاتِبُ مِنْ ثَقِيفٍ، وَالْمَمْلُوكُ مِنْ هَذِيلٍ لَمْ تُوجَدْ فِيهِ هَذِهِ الْحُرُوفُ»؛ «هنگامی که مصاحف نوشته شدند، بر عثمان عرضه شدند، پس او در آنها حروفی از لحن یافت، پس گفت: آنها را تغییر ندهید، پس همانا عرب آن را تغییر خواهد داد (یا آنها را به عربی خواهد خواند). اگر نویسنده از ثقیف و املاء کننده از هذیل بود، این حروف در آنها ایجاد نمی شد» (هروی، ۱۴۱۵: ۲۳/۲؛ ۱۶۶/۲). به نظر می رسد این منبع، قدیمی ترین و نخستین منبع موجود است که سخن عثمان در آن نقل شده است. بر اساس گفته عکرمه پس از آنکه مصحف ها نوشته شدند، بر عثمان عرضه شدند. وی در آن ها حروفی را دید که دچار خطا بودند. عثمان گفت: این ها را تغییر ندهید همانا عرب آن ها را تغییر خواهد داد یا اینکه گفت عرب به زبان خویش آن ها را اعراب خواهد داد. اگر کاتب از قبیله ثقیف و املاء کننده از هذیل بود، این حروف نادرست در مصاحف پدید نمی آمد.



أبو زيد عمر بن شبة نمیری بصری (۲۶۲ه.ق) نیز چنین نقل نموده است: «حَدَّثَنَا عُمَرُو بْنُ مَرْزُوقٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرَانُ الْقَطَّانُ^۱ عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ نَصْرِ بْنِ عَاصِمٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَطِيمٍ^۲ عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْمَرَ، قَالَ: قَالَ عُثْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَحْنًا سَتَقِيمُهُ الْعَرَبُ بِالسِّيْتِهَا» «همانا در قرآن خطایی است که عرب آن را با زبانهای خود تصحیح می‌کند» (ابن زباله، ۱۴۲۴: ۱۲۹/۲).

محتوای این اخبار، همانند اخبار قبلی است. ابن شبة نمیری در جایی دیگر چنین آورده است: «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي هَاشِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ قَالَ: لَمَّا فُرِغَ مِنَ الْمُصْحَفِ أَتَى بِهِ عُثْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: قَدْ أَحْسَنْتُمْ وَأَجْمَلْتُمْ، أَرَى شَيْئًا مِنْ لَحْنٍ سَتَقِيمُهُ بِالسِّيْتِهَا» «به راستی کار نیکویی انجام دادید، خطایی در آن می‌بینم که عرب با زبانش آن را تصحیح می‌کند» (همان، ۱۰۱۳/۳).

بر اساس این نقل، در ابتدا عثمان با گفتن «قد أحسنتم وأجملتم» از کتابت قرآن ابراز رضایت می‌کند و در ادامه می‌گوید که کمی خطا می‌بینم که آن را با زبانمان اصلاح می‌کنیم. سجستانی (۳۱۶ه.ق) در کتاب المصاحف چندین حدیث را گردآوری نموده و به شرح زیر نقل نموده است: «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُؤَمَّلُ بْنُ هِشَامٍ، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمِيرٍ الْقُرَشِيِّ قَالَ: لَمَّا فُرِغَ مِنَ الْمُصْحَفِ أَتَى بِهِ عُثْمَانُ فَتَنَظَّرَ فِيهِ فَقَالَ: قَدْ أَحْسَنْتُمْ، وَأَجْمَلْتُمْ، أَرَى فِيهِ شَيْئًا مِنْ لَحْنٍ سَتَقِيمُهُ الْعَرَبُ بِالسِّيْتِهَا» «به راستی کار نیکویی انجام دادید، خطایی در آن می‌بینم که عرب با زبانش آن را تصحیح می‌کند» (ابن ابی داود، ۱۴۲۳: ۱۲۰/۱).

«حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ حَبِيبٍ، حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ أَبِي عَمْرٍو، عَنْ قَتَادَةَ، أَنَّ عُثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لَمَّا رُفِعَ إِلَيْهِ الْمُصْحَفُ قَالَ: إِنَّ فِيهِ لَحْنًا، وَسَتَقِيمُهُ الْعَرَبُ بِالسِّيْتِهَا» «همانا در آن خطایی است که عرب آن را با زبانهای خود تصحیح می‌کند» (همان، ۱۲۲/۱).
«حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ حَبِيبٍ، حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ، حَدَّثَنَا عُمَرَانُ بْنُ دَاوُدَ الْقَطَّانُ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ نَصْرِ بْنِ عَاصِمٍ اللَّيْثِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَطِيمَةَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْمَرَ قَالَ: قَالَ عُثْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «فِي الْقُرْآنِ لَحْنٌ وَسَتَقِيمُهُ الْعَرَبُ بِالسِّيْتِهَا» «همانا در قرآن خطایی است که عرب آن را با زبانهای خود تصحیح می‌کند» (همان).

۱. ظاهراً در اینجا اشتباهی رخ داده و نام صحیح راوی عمران القطان است؛ همان‌گونه که در اسناد بعدی خواهد آمد.
همچنین (ر.ک: التاريخ الكبير بخاری، ج ۵/ ۱۷۰).
۲. در اسناد بعدی به صورت ابن فطیمة ثبت شده است.

«حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ، حَدَّثَنَا عُمَرَانُ بْنُ دَاوُدَ الْقَطَّانُ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ نَصْرِ بْنِ عَاصِمٍ اللَّيْثِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَطِيمَةَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْمَرَ قَالَ: قَالَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَحْنًا وَسْتَقِيمَةً الْعَرَبُ بِأَلْسِنَتِهَا» (همانا در آن خطایی است که عرب آن را با زبان های خود تصحیح می کند) (همان).

«حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَاتِمٍ السَّجِسْتَانِي، حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ عَقِيلٍ، عَنْ هَازُونَ، عَنِ الزُّبَيْرِ بْنِ الْخَرِيتِ، عَنْ عِكْرَمَةَ الطَّائِي قَالَ: لَمَّا أَتَى عُثْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْمُصْحَفِ رَأَى فِيهِ شَيْئًا مِنْ لَحْنٍ فَقَالَ: لَوْ كَانَ الْمُمْلِي مِنْ هَذِيلٍ، وَالْكَاتِبُ مِنْ ثَقِيفٍ لَمْ يَوْجَدْ فِيهِ هَذَا» (همان، ۱/۱۲۷).

«عن ابن مجاهد عن أبوعبدالله أحمد بن عبدوس عن محمد بن عبدالله مخزومي عن أبوداود طيالسي عن عمران القطان عن قتادة عن يحيى بن يعمر عن ابن فطيمة قال: قال عثمان: في القرآن لحن وإن العرب ستقيمه بألسنتها» «همانا در قرآن لحنی است که عرب آن را با زبانهای خود تصحیح می کند» (باقلانی، ۱۴۲۲: ۵۳۸/۲).

محتوای این اخبار در یک نکته مشترک هستند: عثمان وجود خطا را پذیرفته است؛ هرچند آن را قابل اصلاح دانسته است. بر اساس روش نخستین منبع، می توان چنین نتیجه گرفت که نخستین بار اخبار مربوط به سخنان عثمان در کتاب فضائل القرآن قاسم بن سلام (متوفای ۲۲۴ هجری) دیده می شود. بر اساس جستجوهای انجام شده، منبعی پیش از کتاب ابن سلام هروی که به این موضوع پرداخته باشد، یافت نشد.

در تاریخ گذاری بر اساس نخستین منبع، زمان تألیف آن به عنوان قرینه ای برای تاریخ گذاری استفاده می شود. اما نوع بهره گیری از این قرینه متفاوت است. برخی از خاورشناسان مانند جوزف شاخت و گوته فرید ینبل، زمان و مکان تألیف منبع را به عنوان «حد زمانی آغازین» حدیث در نظر می گیرند؛ یعنی حدیث پیش از تألیف منبع وجود نداشته و با تألیف منبع پدید آمده است (آقایی، ۱۳۹۰: ۱۳۰). در مقابل، برخی دیگر از خاورشناسان مانند م. یعقوب قسطنطین، زمان تألیف منبع را به عنوان "حد زمانی پایانی" حدیث در نظر می گیرند؛ یعنی حدیث مذکور حداقل تا زمان تألیف یا تدوین منبع وجود داشته است (موتسکی، ۱۳۹۰: ۵۵). بنابراین، تا زمانی که اخبار منتهی به عثمان در متن قدیمی تری یافت نشود، می توان دوران تألیف کتاب ابن سلام هروی را به عنوان شاهی برای تاریخ گذاری استفاده کرد.

با توجه به اسناد موجود، می توان از روش تاریخ گذاری بر اساس تحلیل سند نیز بهره برد. تاریخ گذاری سندی متکی بر الگوی حلقه مشترک است. حلقه مشترک، راوی ای است که نام وی در تمام



اسناد مختلف یک حدیث تکرار می‌شود. ساخت معتقد بود حلقه‌ی مشترک جاعل نسخه اولیه حدیث است و در مواردی که رواج حدیث توسط حلقه‌ی مشترک ممکن نیست، این کار به دست کسی که از نام او استفاده شده، انجام شده است. بنابراین، «زمان فعالیت علمی» حلقه‌ی مشترک را می‌توان «حد زمانی آغازین» پیدایش روایت دانست (آقایی، ۱۳۸۹: ۲۸). برای دستیابی به حلقه مشترک لازم است تمامی اسناد گردآوری شوند. همان‌گونه که از بررسی شبکه اسناد مشخص است، اخبار منتسب به عثمان از طریق چند نفر به وی منتقل شده‌اند.

۱. طریق عکرمه

عکرمه بن عبدالله البربری، أبو عبدالله المدنی (م. ۱۰۵ هـ)، مولای ابن عباس که ابن‌ابی‌داود او را عکرمه طائی می‌نامد (ابن‌ابی‌داود، ۱۴۲۳: ۱۲۷)، اما گفته شده که این تعبیر بدون شک اشتباه است؛ زیرا در میان شاگردان و موالی ابن عباس فردی با این نام وجود ندارد (مزی، ۱۹۹۸: ۱۷۷/۴ به بعد). برخی مانند طبری او را توثیق کرده‌اند و برخی دیگر تضعیف؛ اما به طور قطع او عثمان (م. ۳۵ هـ) را ملاقات نکرده است و روایت‌های او از عثمان و دیگر صحابه، به‌جز ابن عباس که مولایش بود، مرسل می‌باشد (مزی، ۱۹۹۸: ۲۰۹/۵، ۲۱۶؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۷/۷ و ۹؛ ذهبی، ۱۹۶۳: ۹۳/۳، ۹۶؛ ابن حجر، ۱۹۸۴: ۲۴۲/۷، ۲۳؛ همو، ۱۹۸۶: ۴۴۶، ۴۵۱؛ همو، ۱۹۷۵: ۳۰/۲). هرچند سایر افراد در سند، از جمله زبیر بن خریث (مزی، ۱۹۹۸: ۱۳/۳؛ ابن‌ابی‌حاتم، بی‌تا، ۹۴/۹-۹۵؛ ابن حجر، ۱۹۸۴: ۲۷۱/۳)، هارون بن موسی‌أعور (مزی، ۱۹۹۸: ۳۸۲/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، بی‌تا، ۹۴/۹-۹۵؛ ابن حجر، ۱۹۸۴: ۱۴/۱۱؛ همو، ۱۹۷۵: ۳۱۳/۲) و حجاج بن محمد مصیصی (مزی، ۱۹۹۸: ۶۴/۲؛ ابن حجر، ۱۹۸۴: ۱۸۰/۲-۱۸۱) توثیق شده‌اند، اما با توجه به تشکیک در مورد عکرمه، به‌ویژه به دلیل ارسال روایت‌های او، این خبر مرسل و سند آن ضعیف است.

۲. طریق عبدالأعلی بن عبدالله بن عامر القرشی

عبدالأعلی بن عبدالله بصری است و توثیق شده است (مزی، ۱۹۹۸: ۳۳۵/۴؛ ابن حجر، ۱۹۷۵: ۴۶۴/۱). همچنین در این روایت، عبدالأعلی تصریح نمی‌کند که از عثمان شنیده است؛ بلکه احتمال سماع او از عثمان بسیار اندک است. بنابراین، می‌توان گفت که عبدالأعلی این روایت را ارسال کرده، زیرا به سماع از عثمان تصریح نکرده است. همچنین، طرق روایت او به دلیل وجود افرادی که وثاقتشان مورد تردید است و نیز افراد ضعیف و مجهول، ضعیف می‌باشد (ر؛ ک؛ رجب زاده، ۱۴۰۲)؛ بنابراین، به‌طور کلی سند این روایت ضعیف است.

- حارث بن عبدالرحمن بن عبدالله بن سعد مدنی دوسی: برخی او را توثیق کرده‌اند و برخی تضعیف (مزی، ۱۹۹۸: ۲۰/۲؛ ابن‌ابی‌حاتم، بی‌تا، ۸۰/۳؛ ذهبی، ۱۹۶۳: ۴۳۷/۱؛ ابن‌حجر، ۱۹۷۵: ۱۴۲/۱).
- إسماعیل بن إبراهيم بن مقسم الأسدی، معروف به ابن‌علیه: توثیق شده است (مزی، ۱۹۹۸: ۲۱۶/۱-۲۱۸).
- مؤمل بن هشام یشکری: توثیق شده است (مزی، ۱۹۹۸: ۲۸۶/۷؛ ابن‌حجر، ۱۹۸۴: ۳۴۲/۱۰).
- یحیی بن آدم الأموی: توثیق شده است (مزی، ۱۹۹۸: ۶/۸؛ ابن‌ابی‌حاتم، بی‌تا، ۱۲۸/۹-۱۲۹؛ ابن‌حجر، ۱۹۸۴: ۱۵۴/۱۱-۱۵۵).
- أحمد بن مسعدة: در منابع رجالی و تراجم، ترجمه‌ای از وی یافت نشد.
- سلیمان بن أشعث، أبوداود (م. ۲۷۵ هـ): از بزرگان علم و فقه و حدیث، موثق و صاحب سنن (ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۲۸۲/۸؛ مزی، ۱۹۹۸: ۳۵۵/۱۱-۳۶۷؛ ذهبی، بی‌تا، ۵۹۱/۲-۵۹۳؛ ابن‌حجر، ۱۹۸۴: ۱۴۹/۴).
- شعيب بن أيوب صريفيني: مدلس و ضعيف، با احادیث منکر توصیف شده است (ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۳۱۰/۸؛ ذهبی، ۱۹۶۳: ۲۷۵/۲؛ ابن‌حجر، ۱۹۸۴: ۳۰۵/۴).
- احمد بن عبدالغفار، معروف به ابن‌أشته (م. ۴۹۱ هـ): از بزرگان علم و حدیث و ثقة است (ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۱۸۳/۱۹).
- محمد بن یعقوب: فردی مشترک بوده و دقیقاً شناسایی نشده است.

۳. طریق یحیی بن یعمر

- یحیی بن یعمر بصری توثیق شده است، اما از عثمان روایت نکرده، بلکه روایت او مرسل است (مزی، ۱۹۹۸: ۱۰۷/۸؛ ابن‌حجر، ۱۹۸۴: ۲۶۷/۱۱؛ همو، ۱۹۷۵: ۵۹۸؛ ابن‌ابی‌حاتم، بی‌تا: ۱۹۶/۹).
- این سند به دلیل ارسال یحیی و همچنین ضعف و مجهول بودن برخی از رجال آن، ضعیف است. از جمله این افراد:
- عبدالله بن فطیمة: مجهول بوده و خبرش پذیرفته نمی‌شود (صابونی، ۱۹۷۱: ۱۲۷).
- نصر بن عاصم اللیثی: توثیق شده است (مزی، ۱۹۹۸: ۳۲۳/۷؛ ابن‌حجر، ۱۹۷۵: ۲۹۹/۲).
- قتادة بن دعامة السدوسی: توثیق شده است (مزی، ۱۹۹۸: ۹۹/۶-۱۰۴؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۳۲۲/۵؛ ابن‌حجر، ۱۹۸۴: ۳۱۵/۸-۳۱۹)، اما فقط أنس و به قولی عبدالله بن سرجس را ملاقات کرده و به تدلیس مشهور است (ابن‌ابی‌حاتم، بی‌تا: ۱۳۳/۷).



- عمران بن داور، معروف به أبوالعوام القطان: اکثراً او را تضعیف کرده‌اند (مزی، ۱۹۹۸: ۴۸۴/۵؛ ذهبی، ۱۹۶۳: ۲۳۶/۳؛ ابن حجر، ۱۹۸۴: ۱۱۶/۸-۱۱۷؛ همو، تقریب التهذیب، ۴۲۹/۱).
- یزید بن سنان، مولی عثمان: توثیق شده است (مزی، ۱۹۹۸: ۱۲۹/۸-۱۳۰؛ ذهبی، ۱۹۶۳: ۴۲۸/۴؛ ابن حجر، ۱۹۸۴: ۲۹۲/۱۱).
- أبوداود، سلیمان بن داود بن جارود طیالسی البصری: توثیق شده، هرچند متهم به اشتباه در احادیث است (ابن حجر، ۱۹۷۵: ۳۸۴/۱؛ همو، ۱۹۸۴: ۱۶۰/۴؛ مزی، ۱۹۹۸: ۴۰۱/۱۱؛ ذهبی، بی‌تا: ۳۷۸/۹).
- إسحق بن إبراهیم الحنظلی، معروف به ابن راهویه: امام علم و بسیار مشهور (مزی، ۱۹۹۸: ۱۷۵/۱-۱۷۸؛ ابن حجر، ۱۹۸۴: ۱۹۰/۱).
- یونس بن حبیب بن عبدالقاهر الأصبهانی: توثیق شده است (ابن أبی حاتم، بی‌تا: ۲۳۷/۹؛ ذهبی، بی‌تا: ۵۹۶/۱۲).
- عمرو بن مرزوق الباهلی: برخی او را توثیق و برخی تضعیف کرده‌اند (مزی، ۱۹۹۸: ۴۶۰/۵؛ ابن حجر، ۱۹۸۴: ۸۷/۸-۸۹؛ همو، ۱۹۸۶: ۴۵۴؛ همو، ۱۹۷۵: ۴۲۶/۱).
- ابن أبی فطیمة: ناشناخته مانده است (باقلانی، ۱۴۲۲: ۵۳۸/۲) و احتمالاً همان ابن فطیمة‌ای است که باز هم فردی مجهول به شمار می‌آید.

۴. طریق ابن فطیمة

به احتمال زیاد، منظور از ابن أبی فطیمة همان ابن فطیمة است. ابن حبان درباره وی می‌نویسد: «روی عَنْهُ الْعِرَاقِيُونَ» (الثقات ابن حبان). آیت‌الله معرفت نیز نام عبدالله ابن فطیمة را در کمیته یکسان‌سازی مصاحف ذکر کرده است (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اسناد این روایت به نوعی دچار اضطراب شده‌اند. در یک سند، قتاده از یحیی بن یعمر روایت کرده و نامی از نصر نیست، در حالی که در سندی دیگر، نصر بن عاصم از یحیی روایت می‌کند. همچنین، در برخی اسناد، ابن أبی فطیمة به عنوان راوی ذکر شده و در برخی دیگر، یحیی بن یعمر از ابن فطیمة (بدون "أبی") روایت می‌کند. این اختلافات نشان‌دهنده اضطراب در اسناد است.

حتی اگر بگوییم که یک بار یحیی بن یعمر از ابن فطیمة و بار دیگر ابن فطیمة از یحیی روایت کرده، این از اضطراب موجود در اسناد نمی‌کاهد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اسناد مربوط به این دو رجل دچار اضطراب بوده و در نهایت تضعیف می‌شوند.

اکثر رجال این روایت در خبر قبلی بررسی شده‌اند. سایر رجال نیز به شرح زیر هستند:

- محمد بن عبدالله مخزومی: تصریح شده که مجهول است (مزی، ۱۹۹۸: ۳۷۲/۶؛ ابن حجر، ۱۹۸۴: ۲۲۹/۹؛ همو، ۱۹۷۵: ۴۸۸/۱).

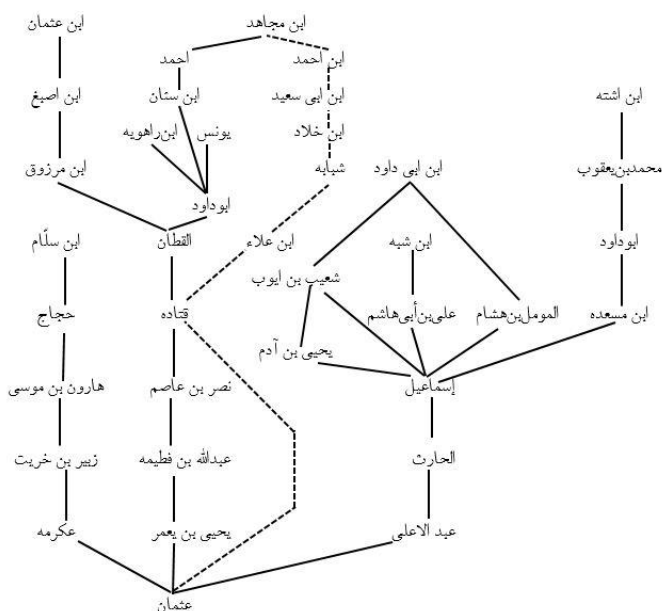
- أبوعبدالله احمد بن عبدوس: فردی با این نام مجهول است و ظاهراً فقط در کتاب رجال شیعه از او یاد شده است (ابن شهر آشوب، بی تا: ۴۹؛ جواهری، ۱۴۲۴: ۳۲).

- ابن مجاهد: احمد بن موسی، شیخ مقرئین و صاحب السبعة، عالمی مشهور و موثق است (ذهبی، بی تا: ۲۷۲/۱۵).

با توجه به ضعف رجال این سند که در اینجا و در سند قبلی ذکر شده‌اند، باید گفت که این روایت از نظر سند ضعیف است.

۵. طریق قتاده

قتاده بن دعامة السدوسی توثیق شده است (مزی، ۱۹۹۸: ۹۹/۶، ۱۰۴؛ ابن حبان، ۱۳۹۳: ۳۲۲/۵؛ ابن حجر، ۱۹۸۴: ۳۱۵/۸، ۳۱۹)، اما او تنها آنس و به قولی عبدالله بن سرجس را ملاقات کرده و مشهور به تدلیس است (ابن ابی حاتم، بی تا: ۱۳۳/۷). با توجه به اوصاف فوق، این خبر به دلیل ارسال قتاده از عثمان و همچنین وجود راویان ضعیف و مجهول، از حیث سند ضعیف تلقی می‌شود.





حاصل آنکه در این شبکه اسناد، حلقه مشترک قابل اعتمادی مشاهده نمی شود و تنها گره‌ای در بخش اسماعیل بن ابراهیم وجود دارد. نام کامل او اسماعیل بن ابراهیم بن مقسم اسدی، معروف به ابن علیّه است. در سایر بخش‌ها، طرق نقل حدیث به طور منفرد هستند. همچنین قتاده نیز مستقیماً سخن عثمان را نقل کرده است که می‌توان این طریق را به عنوان "شیرجه‌ای" توصیف کرد.

بنابراین، از شبکه اسناد اخبار عثمان نمی‌توان نتیجه‌ای تاریخی معتبر برداشت کرد، زیرا اسناد این اخبار بسیار نامنظم و پراکنده است. این تحلیل از اسناد، نگاهی بدبینانه به اخبار عثمان فراهم می‌کند. بیشتر طرق در بصره فعال بوده‌اند، در حالی که عکرمه بیشتر در مکه و مدینه فعالیت داشته است. به نظر می‌رسد که او از مشایخ بصری مانند یحیی بن یعمر دریافت کرده است. ارتباط راویان با عثمان نیز جای تأمل دارد؛ برای مثال، پدر عبدالرحمن والی عثمان بوده است. این احتمال وجود دارد که این راویان در مجموع تلاش داشته‌اند تا از عملکرد عثمان در یکسان‌سازی مصاحف دفاع کنند.

بی تردید، یکسان‌سازی مصاحف در ابتدای امر چالش‌هایی ایجاد کرده است و در ادامه نیز مصحف عثمان مورد انتقاد و تردید قرار گرفته، به ویژه در رابطه با برخی آیات که رسم الخط آن‌ها پذیرفته نشده است. از این رو، ممکن است گروهی تلاش کرده باشند با پذیرش اصل خطا در مصحف از سوی عثمان، این اشکال را کوچک جلوه دهند و چنین القا کنند که این اشکال بعدها از سوی عرب اصلاح خواهد شد. البته برخی از ناقلان این خبر توجیهات دیگری نیز برای آن ارائه کرده‌اند.

ب. تاریخ‌گذاری سایر اخبار دال بر وجود خطا در قرآن

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این اخبار از سوی افراد دیگری نیز نقل شده است. در ادامه، به بررسی و تاریخ‌گذاری این اخبار خواهیم پرداخت.

۱. خبر عایشه

خبر عایشه چنین نقل شده است:

«حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَوْدِيُّ، حَدَّثَنَا أَبُو مَعَاوِيَةَ، عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ عَنْ لَحْنِ الْقُرْآنِ، «إِنْ هَذَا لَسَاحِرَانِ» [طه: ۶۳]، وَعَنْ قَوْلِهِ: «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» [النساء: ۱۶۲] وَعَنْ قَوْلِهِ «وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ» فَقَالَتْ: «يَا ابْنَ أُخْتِي، هَذَا عَمَلُ الْكِتَابِ أَخْطَأُوا فِي الْكِتَابِ» (هروی ۱۴۱۵: ۱۶۱، ۱۶۰؛ ابن ابی داود، ۱۴۲۳: ۱۲۹).

بر اساس این گزارش، عروه بن زبیر از عایشه درباره خطا در برخی آیات قرآن پرسش می‌کند. در خبر، به سه آیه مشخص اشاره شده است. عایشه در پاسخ، لحن و خطای دستور زبانی را به کاتبان نسبت می‌دهد و بر این اساس، اصل خطا را می‌پذیرد اما معتقد است که این خطاها از ناحیه کاتبان به قرآن راه یافته است.

نکته مهم در تاریخ‌گذاری این خبر، سندی است که به عایشه منتهی می‌شود. سند هشام بن عروه عن ابیه عن عایشه از اسناد مشهور و خانوادگی به شمار می‌رود. با این حال، از دیدگاه برخی خاورشناسان، این‌گونه اسناد زمینه مناسبی برای جعل و دروغ‌پردازی فراهم می‌آورند، زیرا ممکن است هر کسی مطالب نادرستی را جعل کرده و چنین سندی را به آن بیفزاید.

رجال‌شناسان اهل سنت نیز بر این باورند که روایت‌های ابومعاویه ضریر (محمد بن خازم تمیمی) اگر از اعمش باشد، معتبر است و بخاری نیز به این طریق اعتماد کرده است، اما روایت از غیر اعمش، به ویژه از هشام بن عروه، نادرست بوده و در آن اضطراب و عدم ضبط وجود دارد (ابن حجر، ۱۹۸۴: ۱۳۷/۹ به بعد؛ همو، ۱۹۸۶: ۱۹۲/۲؛ ذهبی، ۱۹۶۳: ۵۷۵/۴). همچنین، با توجه به جایگاه عایشه و دیگر صحابه و تسلط آنها به زبان عربی، صحت این سخن از سوی عایشه مورد تردید است (باقلائی، ۱۴۲۲: ۵۳۹/۲-۵۴۰).

علاوه بر این، تدوین نحو و قواعد آن در دوران متأخر صورت گرفته است (بستانی، ۱۳۸۲: ۱۸۵-۲۲۶). بنابراین، این خبر نمی‌تواند صحیح باشد؛ چرا که به قواعد نحوی متأخر نظر دارد. بسیاری از نحویان، قرائت‌های مختلف را بر اساس اصول و قواعد نحوی توجیه کرده و صحت آنها را تأیید کرده‌اند؛ در حالی که اگر این قرائت‌ها نادرست بود، چنین توجیهی ممکن نبود. به نظر می‌رسد که این خبر و مشابه آن بر اساس مسائل متأخر پدید آمده‌اند، زمانی که قواعد دستوری یا نحوی برخی آیات تبدیل به مسئله شده بود و برخی برای پاسخ‌گویی به این مسائل به احادیث و اعتبار صحابه متوسل شدند.

۲. خبر سعید بن جبیر

در خبری به نقل از سعید بن جبیر (م. ۹۵ هـ) چهار خطا به قرآن نسبت داده شده است: «حَدَّثَنَا الْفُضْلُ بْنُ حَمَّادٍ الْخَيْرِيُّ، حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ خَالِدٍ، حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ الْحُبَابِ، عَنْ أَشْعَثَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ: فِي الْقُرْآنِ أَرْبَعَةٌ أَحْزَفٍ لَخْنٌ: «الصَّابِثُونَ»، «وَالْمُقِيمِينَ» (النساء: ۱۶۲)، «فَأَصَدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ» (المنافقون: ۱۰)، وَ«إِنْ هَذَا لَسَاحِرٌ» (ابن ابی داود، ۱۴۲۳: ۱۲۸).

با وجود اینکه سعید بن جبیر از تابعان به شمار می‌رود و از نظر زمانی به قرن دوم هجری نزدیک‌تر بوده است، اما نمی‌توان محتوای خبر وی را پذیرفت. جایگاه علمی برجسته سعید بن جبیر در میان تابعان و ارتباط او با صحابیان معروفی همچون ابن عباس، زمینه مناسبی برای انتساب چنین خبری به او فراهم کرده است. به نظر می‌رسد که ترکیب نحوی آیات مورد اشاره در خبر برای برخی از مفسران، مسئله‌ای پیچیده و دشوار شده بود و به همین دلیل، آن‌ها از هر راهی برای توجیه و رهایی از این مشکل استفاده می‌کردند.



۳. خبر أبان بن عثمان

در خبری به نقل از ابان بن عثمان (م. ۱۰۵ هـ) چنین آمده است:
«حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ وَهْبٍ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ قَالَ: أَخْبَرَنَا حَمَّادٌ، عَنِ الزُّبَيْرِ أَبِي خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ: كَيْفَ صَارَتْ: «لَكِنَّ الرَّاْسُخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (النساء: ۱۶۲) مَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا رَفْعٌ، وَهِيَ نَصَبٌ؟ قَالَ: مِنْ قَبْلِ الْكُتَّابِ، كَتَبَ مَا قَبْلَهَا، ثُمَّ قَالَ: مَا أَكْتُبُ؟ قَالَ أَكْتُبُ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ، فَكَتَبَ مَا قِيلَ لَهُ» (هروی، ۱۴۱۵: ۱۶۰، ۱۶۱؛ ابن ابی داود، ۱۴۲۳: ۱۲۹).

از زبیر أبو خالد نقل شده است که وی از ابان بن عثمان پرسید: چگونه در آیه «لَكِنَّ الرَّاْسُخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» که (المُقِيمِينَ) میان دو مرفوع (المُؤْمِنُونَ و الْمُؤْتُونَ) است، منصوب شده است؟ گفت: از طرف نویسندگان! وقتی المؤمنون را نوشت، پرسید: چه بنویسم؟ املاءکننده گفت: اکتب المقیمین الصلاة، و این خطا رخ داد.

در این خبر توجیهی نحوی برای منصوب شدن واژه الْمُقِيمِينَ بیان شده است و الا ابان بن عثمان از واقعه‌ای سخن گفته که در آن حضور نداشته است (ابن ابی حاتم، بی تا، ۲۹۵/۲، مزی، ۱۹۹۸: ۱۸/۲، ذهبی، بی تا، ۳۵۱/۴، ابن حجر، ۱۹۷۵: ۵۱/۱، همو، ۱۹۸۴: ۸۴/۱). درون مایه این خبر نیز پذیرش خطا در قرآن و نسبت دادن آن به کاتبان یا املاءکننده است. ۱. با این حال چگونه می توان چنین اشتباهی را با وجود نظارت و بازبینی و نیز حضور حافظان قرآن و صحابه پذیرفت؟!

۴. خبر هانیء بربری مولای عثمان

در خبری که از ابان بن عثمان (م. ۱۰۵ هـ) نقل شده است، آمده است: از عبدالرحمن بن مهدی از عبدالله بن مبارک از ابوانل، شیخی از اهالی یمن، از هانیء بربری مولای عثمان نقل شده است که گفت: هنگامی که عثمان مصاحف را بر او عرضه می کردند، او مرا به نزد ابی بن کعب فرستاد که در آن نوشته شده بود: «لَمْ يَسْنِ» (بقره: ۲۵۹)، «لَا تَبْدِيلَ لِلْخَلْقِ» (روم: ۳۰)، «فَأَمْهَلِ الْكَافِرِينَ» (طارق: ۱۷). ابی بن کعب دوات آورد و یکی از لامها را حذف کرد و نوشت: «لِخَلْقِ اللَّهِ»، «فَأَمْهَلِ» را پاک کرد و نوشت: «فَمَهْلٍ»، و «لَمْ يَسْنِ» را نوشت و هانیء به آن اضافه کرد (هروی، ۱۴۱۵: ۱۵۹؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۵۳۸/۱؛ طبری، ۱۴۱۵: ۵۴/۳).

۱. ظاهراً در متن باید گفته می شد: اشتباه توسط املاءکنندگان بوده است نه کاتبان.

به همان سند از هانی بربری مولای عثمان نقل شده است که گفت: هنگامی که عثمان مصاحف را نگاشت، در سه آیه شک کردند و آنها را بر کتف گوسفندی نوشتند و من را با آن به نزد ابی بن کعب و زید بن ثابت فرستادند. هنگامی که وارد شدم، ابی بن کعب آن را گرفت و خواند و در آن چنین یافت: «لا تبدیل للخلق ذلک الدین القیم»، پس یکی از لام‌ها را حذف کرد و نوشت: «لا تبدیل للخلق الله ذلک...»، و در آیه «انظر إلى طعامك وشرابك لم يتسنن»، نون را حذف کرد و نوشت: «لم يتسنن»، و در آیه «فَأَمْهَلِ الْكَافِرِينَ»، الف را حذف کرد و نوشت: «فَمَهْلٍ»، و زید بن ثابت نیز به آن نگاه کرد. سپس آن را نزد عثمان آورد و او آن را در مصاحف به همین صورت ثبت کرد (أبو عبید، ۱۴۱۵: ۲۸۶؛ طبری، ۱۴۱۵: ۵۴/۳؛ سمرقندی، بی تا، ۵۴۷/۳؛ سیوطی، بی تا، ۳۳۳/۱).

همچنین از عبدالرحمن بن مهدی از أبوالجراح از سلیمان بن عمیر از هانی مولای عثمان نقل شده است: فرستاده‌ای میان عثمان و زید بن ثابت بود که زید از من خواست تا از عثمان بپرسم که کدام را بنویسیم: «لم يتسنن» یا «لَمْ يَتَسَنَّه»، و عثمان گفت: «به آن هاء اضافه کنید» (أبو عبید، ۱۴۱۵: ۱۵۹؛ سیوطی، بی تا، ۳۳۳/۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۵۹۸/۲؛ طبری، ۱۴۱۵: ۵۴/۳).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در دو نقل اول که تقریباً مشابه هستند و تصحیح به عهده ابی بن کعب است، در نقل سوم، عثمان به عنوان مصحح عمل کرده و تنها به یک مورد از موارد چهارگانه اشاره شده است. همچنین نوشتن این حجم از آیات بر یک کتف گوسفند در زمان عثمان با توجه به توسعه ابزارهای نگارش و امکانات خلافت، بعید به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، این اخبار تلاش دارد تا حساسیت صحابه در نگارش صحیح قرآن را گزارش دهد به گونه‌ای که خطای رسم الخطی غیرمطابق با نحو در قرآن وجود نداشته باشد (سیوطی، ۱۴۱۶: ۵۳۸/۱). حال آنکه اخبار دیگری نیز مبنی بر اشکال‌گیری از رسم الخط قرآن از صحابه‌ای مانند عثمان و عائشه نقل شده است. به عبارت دیگر، این خبر با اخبار دال بر وجود خطا در قرآن در تعارض است.



نتیجه گیری

در رسم الاملائی قرآنی، مواردی وجود دارد که با رسم الاملائی رسمی و معمول عربی مغایرت دارد. یکی از نظریات مطرح شده در خصوص اسباب این مغایرت، خطا در نگارش توسط نویسندگان ابتدایی مصاحف در زمان عثمان است. این نظریه بر پایه اخباری است که توسط اهل سنت وارد شده است. با این حال، نمی توان به سادگی اخبار مربوط به خطا در قرآن را برای توجیه این مغایرت پذیرفت. اخبار منتسب به عثمان در این زمینه به عنوان اخبار اصلی در نظر گرفته می شود. در این مقاله، بر اساس تاریخ گذاری به سنجش این اخبار پرداخته شد. نتایج تاریخ گذاری نشان داد که این متون از نیمه دوم قرن سوم به بعد وجود داشته اند، اما منابع معتبر و رسمی اهل سنت به این اخبار اشاره نکرده اند. شبکه اسناد اخبار منتسب به عثمان نیز فاقد ضوابط حلقه مشترک بود و به این دلیل نمی توان از آن به عنوان شاهی برای اعتمادزایی استفاده کرد.

سایر راویان اخبار مربوط به وجود خطا، از جمله عایشه، سعید بن جبیر، ابان بن عثمان و هانی مولای عثمان، نیز فاقد ویژگی های لازم برای ترسیم یک شبکه اسناد معتبر بودند. به نظر می رسد این اخبار به منظور تایید یکسان سازی مصاحف و دفاع از مصحف عثمان در برابر انتقادات و جریان های مخالف پدید آمده اند. این راویان تلاش کرده اند تا اشکالات رسم الخط و خطاهای موجود در مصحف عثمان را کوچک جلوه دهند.

با توجه به قرائن تاریخی و تحلیل های صورت گرفته، نمی توان به سادگی به این روایات اعتماد کرد. همان طور که حدیث پژوهان اهل سنت نیز این احادیث را نپذیرفته و یا برای آن توجیهاتی ارائه کرده اند.

فهرست منابع

۱. أزهری، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، بيروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲. ابن ابی داود، عبدالله بن سلیمان سجستانی، المصاحف، قاهره: الفاروق الحديثة للطباعة و النشر، ۱۴۲۳ق.
۳. ابن الانباری، أبو البركات، البیان فی غریب اعراب القرآن، تحقیق: دکتر طه عبد الحمید طه و مصطفى السقا، قم: انتشارات الهجره، ۱۳۶۲ ش.
۴. الانصاف فی مسائل الخلاف، تحقیق: محمد محیی الدین، مطبعه السعاده، بی تا.
۵. أسرار العربیه، دمشق: مطبعه الترقی، بی تا.
۶. ابن اثیر جزری، علی بن أبی الکریم، اللباب فی تهذيب الأنساب، بیروت: دارصادر، بی تا.
۷. ابن تیمیه، أحمد بن عبد الحليم، مجموع فتاوى ابن تیمیه، السعودیه: الرئاسة العامة لشؤون الحرمین، بی تا.
۸. ابن الجزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، تحقیق: علی محمد ضباع، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، بی تا.
۹. ابن حبان، محمد، الثقات، حیدر آباد، مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۳۹۳م.
۱۰. ابن حجر، علی بن أحمد عسقلانی، تهذيب التهذيب، بیروت: دارالفکر، ۱۹۸۴م.
۱۱. هدى السارى، چاپ اول، قاهره: دارالربان للتراث، ۱۹۸۶م.
۱۲. تقریب التهذيب، تحقیق: عبد الوهاب عبد اللطیف، دارالمعرفة، بیروت: ۱۹۷۵م.
۱۳. لسان المیزان، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۴. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت: دار صادر، بی تا.
۱۵. ابن شهر آشوب، محمد علی، معالم العلماء، بی جا، بی تا.
۱۶. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأویل مشكل القرآن، تحقیق: السيد احمد صقر، دار احیاء الكتب العربیه، بی تا.
۱۷. ابن منظور، جمال الدین بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، بی تا.



۱۸. ابن زباله، محمد بن حسن اخبار المدينه، تصحيح و تنظيم: بن سلامه، صلاح عبدالعزيز، ۱۴۲۴ق.
۱۹. آقايي، سيد علي، «پديده حلقه مشترك در سندهای روایات: تبیین و تحلیل»، مجله مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۷، ۱۳۸۹ش.
۲۰. «تاریخ گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد. متن: امکانات و محدودیت ها»، مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، سال هفدهم شماره ۲، پیاپی ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ش.
۲۱. تاریخ گذاری حدیث: روش ها و نمونه ها، تهران: حکمت، ۱۳۹۰ش.
۲۲. أبونعیم، أحمد بن عبدالله، معرفة الصحابة، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی، ریاض: دارالوطن للنشر، ۱۴۱۹ق.
۲۳. أبیاری، إبراهیم، تاریخ القرآن، لبنان: دارالكتاب المصری و اللبنانی، ۱۹۹۱م.
۲۴. باقلانی، محمد بن طیب، الانتصار للقرآن، عمان/بیروت: دارالفتح/دار ابن حزم، ۱۴۲۲ق.
۲۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح، بی جا، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۱ق.
۲۶. بستانی، قاسم، مکاتب (مدارس) نحو عربی، اهواز، مجموعه مقالات همایش مدیران گروه های زبان و ادبیات عربی دانشگاه های کشور، ۱۳۸۲ش.
۲۷. جواهری، محمد، المفید من معجم رجال الحديث، قم: مکتبه المحلاتی، ۱۴۲۴ق.
۲۸. حمد، غانم قدوری، رسم المصحف دراسة لغوية تاريخية، بغداد: ۱۹۸۲م.
۲۹. خاروف، محمد فهد، الميسر فی القراءات الاربعه عشره، مراجعه محمد کریم راجح، چاپ اول، دمشق و بیروت: دار ابن کثیر و دارالکلم الطیب، ۱۹۹۵م.
۳۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۳۱. خوئی، آیه الله سید أبوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
۳۲. خوئی، معجم رجال الحديث، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۳ق.
۳۳. دانی، عثمان بن سعید، المقنع فی رسم مصاحف الامصار، تحقیق: محمد صادق قمحوی، مصر، بی نا، ۱۹۷۸م.
۳۴. ذهبی، محمد بن عبدالله، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۶۳م.

٣٥. سير أعلام النبلاء، بيروت: طبع مؤسسة الرسالة، بی تا.
٣٦. تذكرة الحفاظ، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
٣٧. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بيروت: دارالقلم، بی تا.
٣٨. رضایی هفتادر، حسن، زارعی، نفیسه. (١٤٠٢). نقد دیدگاه گلدزیهردر تشابه قرائات قرآن وعهدین. مطالعات قرائت قرآن، ١١(٢٠)، ٢٦٣-٢٨٤.
٣٩. رجب زاده، شبنم، مستفید، حمید رضا، حاجی عبدالباقی، مریم. (١٤٠٢). تحلیل تطور مقایس قرائی. مطالعات قرائت قرآن، ١١(٢٠)، ١٢-٤٥.
٤٠. زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان، بيروت: دار أحياء للكتب العربية، بی تا.
٤١. سمرقندی، نصر بن محمد، التفسير، تحقيق: محمود مطرجی، بيروت: دارالفکر، بی تا.
٤٢. سیویه، عمرو بن عثمان، الكتاب، مصر، مطبعة بولاق، ١٣١٦ق.
٤٣. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، الإتقان فی علوم القرآن، تحقيق: سعيد المندوب، لبنان: دارالفکر، ١٤١٦ق.
٤٤. الدر المنثور، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بی تا.
٤٥. الجامع الصغير، بيروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠١ق.
٤٦. الاقتراح فی علم أصول النحو، تحقيق: احمد محمد قاسم، قم: افست نشر ادب الحوزه، بی تا.
٤٧. شلبی، عبدالفتاح، رسم المصحف والاحتجاج به فی القراءات، مصر: مكتبة النهضة، ١٩٦٠م.
٤٨. صابونی، أبوعبدالله، نکت الانتصار لنقل القرآن، تحقيق: محمد زغلول سلام، اسکندريه: منشأة المعارف، ١٩٧١م.
٤٩. طبری، محمد بن جریر، جامع البيان، تحقيق: شيخ خليل ميس و صدقي جميل العطار، بيروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥ق.
٥٠. عفيفی، فوزی سالم، نشأة و تطوّر الكتابة الخطية العربية و دورها الثقافي و الاجتماعي، كويت: وكالة المطبوعات، ١٩٨٠م.
٥١. عکبری، عبدالله بن حسنی، إملاء ما من به الرحمن من وجوه الاعراب و القراءات فی جميع القرآن، تحقيق: ابراهيم عطوة عوض، مصر: مكتبة مصطفى البابي و اولاده- محمد محمود و شركاء، ١٩٦٩م.



۵۲. فراء، يحيى بن زياد، معانى القرآن، تحقيق: احمد يوسف نجاتى و محمد على النجار، مصر: دارالكتب المصرية، ۱۹۵۵م.
۵۳. فضلى، عبدالهادى، مقدمه‌اى بر تاريخ قراءات قرآن كريم، نگارش: سيد محمدباقر حجّتى، تهران: سازمان حج و اوقاف و امور خيريه، بى تا.
۵۴. قرطبي، محمد بن أحمد، تفسير الجامع لأحكام القرآن الكريم، تحقيق: أبوإسحاق إبراهيم أطفيش، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۰۵ق.
۵۵. قلقشندى، أحمد بن على، صبح الأعشى فى صناعة الإنشاء، مصر: المؤسسة المصرية العامة، بى تا.
۵۶. كبرى زاده، طاش، مفتاح السعادة، هند: دائرة المعارف النظاميه، بى تا.
۵۷. متقى هندى، على بن عبدالملك، كنز العمال، تحقيق: شيخ بكرى حيانى و شيخ صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۵۸. مزى، جمال الدين أبوالحجاج يوسف، تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، تحقيق: د. بشار عواد، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۸م.
۵۹. مسلم نيسابورى، ابن حجاج، الصحيح، بيروت: دارالفكر، بى تا.
۶۰. مكرم، عبدالعال سالم، القرآن الكريم وأثره فى الدراسات النحويه، مصر: دارالمعارف، ۱۹۶۸م.
۶۱. مكى، ابن أبى طالب قيسى، مشكل اعراب القرآن، تحقيق: ياسين محمد السواس، بى جا، انتشارات نور، ۱۳۶۲ش.
۶۲. مناوى، محمد عبدالرؤوف، فيض القدير شرح الجامع الصغير، تحقيق: أحمد عبدالسلام، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
۶۳. معارف، مجيد، درآمدى بر مطالعات حديثى در دوران معاصر، تهران: سمت، ۱۴۰۰ش.
۶۴. معرفت، محمد هادى، علوم قرآنى، قم: التمهيد، ۱۳۸۱ش.
۶۵. مصطفوى، حسن، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، بيروت: دارالكتب العلمية- مركز نشر اثار علامه مصطفوى، بى تا.
۶۶. موتسكى، هارالد، حديث اسلامى؛ خاستگاه‌ها و سير تطور، قم: موسسه علمى فرهنگى دارالحديث، ۱۳۹۰ش.
۶۷. هروى، أبويعيد، قاسم بن سلام، فضائل القرآن، تحقيق: مروان العطية، ومحسن خرابه، ووفاء تقى الدين، بيروت: دار ابن كثير، ۱۴۱۵ق.
۶۸. يعقوب، أميل بديع، الموسوعة الصرف و النحو و الاعراب، ترجمه قاسم بستانی و محمد رضا يوسفى، قم: انتشارات اعتصام، ۱۴۲۰ق.

Resources

1. ‘Afīfī, Fawzī Sālim, *Nash’ah wa Taṭawwur al-Kitābah al-Khaṭṭiyyah al-‘Arabiyyah wa Dawruhā al-Thaqāfī wa al-Ijtīmā’ī* (The Emergence and Development of Arabic Script and Its Cultural and Social Role), Kuwait: Wikalat al-Maṭbū’āt, 1980 CE.
2. ‘Ukbī, ‘Abd Allāh bin Hossein, *Imlā’ Mā Min Bihī al-Raḥmān Min Wujūh al-I’rāb wa al-Qirā’āt fī Jamī’ al-Quran* (Dictation of What the Compassionate One has Bestowed in Terms of Syntax and Recitations Throughout the Quran), Edited by Ibrāhīm ‘Aṭwah ‘Awad, Egypt: Maktabat Muṣṭafā al-Bābī and Sons - Mohammad Maḥmūd and Partners, 1969 CE.
3. Abīārī, Ibrāhīm, *Tārīkh al-Quran* (History of the Quran), Lebanon: Dar al-Kitāb al-Miṣrī wa al-Lubnānī, 1991 CE.
4. Abū Nu’aym, Ahmad bin ‘Abdullāh, *Ma’rifat al-Ṣaḥābah* (Knowledge of the Companions), Edited by ‘Ādil bin Yūsuf al-‘Azāzī, Riyadh: Dar al-Waṭan li al-Nashr, 1419 AH (1998 CE).
5. Āqā’ī, Seyyed Ali, “Chronology of Hadith Based on a Combined Analysis of Chains: Textual Possibilities and Limitations,” Journal of Historical Quran and Hadith Studies, 17th Year, Issue 2, Sequential 50, Autumn and Winter 1390 SH (2011 CE).
6. Āqā’ī, Seyyed Ali, “The Phenomenon of the Common Link in the Chains of Narrations: Explanation and Analysis,” Journal of Islamic History Studies, Issue 7, 1389 SH (2010 CE).
7. Āqā’ī, Seyyed Ali, *Chronology of Hadith: Methods and Examples*, Tehran: Hikmat, 1390 SH (2011 CE).
8. Azharī, Mohammad bin Ahmad, *Tajīb al-Lughah* (Refinement of Language), Beirut: Dar Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī, n.d.
9. Bāqalānī, Mohammad bin Ṭayyib, *Al-Intiṣār li al-Quran* (The Defense of the Quran), Amman/Beirut: Dar al-Faḥ/Dar Ibn Ḥazm, 1422 AH (2001 CE).
10. Bukhārī, Mohammad bin Ismā’īl, *Al-Ṣaḥīḥ* (The Authentic), N.p., Dar al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution, 1401 AH (1981 CE).
11. Bustanī, Qāsim, *Maktāb (Madāris) Naḥw ‘Arabī* (Schools of Arabic Grammar), Ahvaz: Collection of Articles from the Conference of Heads of Arabic Language and Literature Departments of Universities, 1382 SH (2003 CE).
12. Dānī, ‘Uthmān bin Sa’īd, *Al-Muqni’ fī Rasm Muṣāḥif al-Amṣār* (The Sufficient Guide to the Script of the Regional Manuscripts), Edited by Mohammad Ṣādiq Qamḥāwī, Egypt: n.p., 1978 CE.



13. Dhahabī, Mohammad bin ‘Abdullāh, *Mizān al-I’tidāl fi Naqd al-Rijāl (The Balance of Justice in Critiquing Men)*, Edited by ‘Ali Mohammad al-Bijāwī, Beirut: Dar al-Ma’rifah, 1963 CE.
14. Dhahabī, Mohammad bin ‘Abdullāh, *Siyar A’lām al-Nubalā’ (The Lives of the Noble Figures)*, Beirut: Printed by Mū’assasat al-Risālah, n.d.
15. Dhahabī, Mohammad bin ‘Abdullāh, *Tadhkirat al-Huffāz (The Memoir of the Preservers)*, Beirut: Dar Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī, n.d.
16. Faḍlī, ‘Abd al-Hādī, *Muqaddimah-ī Bar Tārīkh Qirā’āt Quran Karim (An Introduction to the History of Quranic Recitations)*, Written by Seyyed Mohammad Bāqir Ḥujjātī, Tehran: Organization for Hajj, Endowments, and Charitable Affairs, n.d.
17. Farā’, Yahyā bin Zyād, *Ma’ānī al-Quran (The Meanings of the Quran)*, Edited by Aḥmad Yūsuf Najātī and Mohammad ‘Alī al-Najjār, Egypt: Dar al-Kutub al-Miṣriyyah, 1955 CE.
18. Ḥamad, Ghānim Qadūrī, *Rasm al-Muṣḥaf: Dirāsah Lugawīyyah Tārīkhiyyah (The Script of the Quran: A Linguistic and Historical Study)*, Baghdad: 1982 CE.
19. Harawī, Abū ‘Ubaid, Qāsim bin Salām, *Faḍā’il al-Quran (Virtues of the Quran)*, Edited by Marwān al-‘Aṭīyah, Muḥsin Khurābah, and Wafā’ Taqī al-Dīn, Beirut: Dar Ibn Kuthayr, 1415 AH (1994 CE).
20. Ibn Abī Dāwūd, Abdullah bin Sulayman al-Sijistānī, *Al-Muṣāḥif (The Manuscripts)*, Cairo: Al-Farūq al-Ḥadīthah Publishing and Distribution, 1423 AH (2003 CE).
21. Ibn al-Anbārī, Abū al-Barakāt, *Al-Bayān fi Gharīb I’rāb al-Quran (The Explanation of Rare Quranic Syntax)*, Edited by Dr. Ṭahā ‘Abd al-Ḥamīd Ṭahā and Muṣṭafā al-Siqā, Qom: Intishārāt al-Hijrah, 1362 SH (1983 CE).
22. Ibn al-Anbārī, Abū al-Barakāt, *Al-Inṣāf fi Masā’il al-Khilāf (Equity in Issues of Dispute)*, Edited by Mohammad Muhyī al-Dīn, Maktabat al-Sa’adah, n.d.
23. Ibn al-Anbārī, Abū al-Barakāt, *Asrār al-‘Arabiyyah (Secrets of the Arabic Language)*, Damascus: Maktabat al-Tarqī, n.d.
24. Ibn al-Jazarī, Mohammad bin Mohammad, *Al-Nashr fi al-Qirā’āt al-‘Ashr (The Dissemination of the Ten Recitations)*, Edited by ‘Ali Mohammad al-Ḍa’bā’, Egypt: Al-Maktabah al-Tijāriyyah al-Kubrā, n.d.
25. Ibn Athīr al-Jazarī, Ali bin Abi al-Karim, *Al-Lubāb fi Tahdhīb al-Ansāb (The Core in Refining Lineages)*, Beirut: Dar Ṣādir, n.d.
26. Ibn Ḥajar, Ali bin Ahmad al-‘Asqalānī, *Hady al-Sārī (The Guide of the Aged)*, 1st Edition, Cairo: Dar al-Rubān li al-Turāth, 1986 CE.
27. Ibn Ḥajar, Ali bin Ahmad al-‘Asqalānī, *Lisān al-Mizān (The Tongue of the Balance)*, 2nd Edition, Beirut: Mū’assasat al-‘Ālamī li al-Maṭbū’āt, 1390 AH (1970 CE).

28. Ibn Hajar, Ali bin Ahmad al-'Asqalānī, *Tahdhīb al-Tahdhīb (Refinement of Refinement)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1984 CE.
29. Ibn Hajar, Ali bin Ahmad al-'Asqalānī, *Taqrīb al-Tahdhīb (Proximity of Refinement)*, Edited by 'Abd al-Wahhāb 'Abd al-Laṭīf, Dar al-Ma'rifah, Beirut: 1975 CE.
30. Ibn Ḥanbal, Ahmad, *Musnad Ahmad (The Musnad of Ahmad)*, Beirut: Dar Ṣādir, n.d.
31. Ibn Ḥibbān, Mohammad, *Al-Thiqāt (The Trustworthy)*, Hyderabad: Maktabat al-Kutub al-Thaqāfiyyah, 1393 AH (1973 CE).
32. Ibn Manẓūr, Jamāl al-Dīn bin Mukarram, *Lisān al-'Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dar Ṣādir, n.d.
33. Ibn Qutaybah, Abdullah bin Muslim, *Ta'wīl Mushkil al-Quran (Interpretation of Difficult Quranic Passages)*, Edited by Seyyed Ahmad Saqr, Dar Ihya' al-Kutub al-'Arabiyyah, n.d.
34. Ibn Shahrāshūb, Mohammad 'Ali, *Ma'ālim al-'Ulamā' (Landmarks of Scholars)*, N.p., n.d.
35. Ibn Taymiyyah, Ahmad bin 'Abd al-Ḥalīm, *Majmū' al-Fatāwā (Collection of Fatwas)*, Saudi Arabia: General Presidency for the Affairs of the Two Holy Mosques, n.d.
36. Ibn Zubālah, Mohammad bin Ḥasan, *Akhbār al-Madīnah (News of the City)*, Edited and Arranged by Ibn Salāmah and Ṣalāḥ 'Abd al-'Azīz, 1424 AH (2004 CE).
37. Jawāhirī, Mohammad, *Al-Mufīd min Mu'jam Rijāl al-Ḥadīth (Useful Information from the Dictionary of Hadith Scholars)*, Qom: Maktabat al-Maḥallātī, 1424 AH (2003 CE).
38. Kharūf, Mohammad Fahd, *Al-Muyassar fī al-Qirā'āt al-Arba'ah 'Ashar (The Simplified Guide to the Fourteen Recitations)*, Reviewed by Mohammad Karīm Rājih, 1st Edition, Damascus and Beirut: Dar Ibn Kuthayr and Dar al-Kalim al-ṭayyib, 1995 CE.
39. Khu'ī, Ayatollah Seyyed Abū al-Qāsim, *Al-Bayān fī Tafsīr al-Quran (The Explanation in Quranic Exegesis)*, Qom: Mu'assasat Ihya' Āthār al-Imām al-Khu'ī, n.d.
40. Khu'ī, *Mu'jam Rijāl al-Ḥadīth (Dictionary of Hadith Scholars)*, Qom: Mu'assasat Ihya' Āthār al-Imām al-Khu'ī, 1413 AH (1993 CE).
41. Khuṭayb al-Baghādī, Ahmad bin 'Alī, *Tārīkh Baghdad (History of Baghdad)*, Edited by Muṣṭafā 'Abd al-Qādir 'Aṭā, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1417 AH (1997 CE).
42. Kubrī Zādah, Ṭash, *Miftāḥ al-Sa'ādah (The Key to Happiness)*, India: Dā'irat al-Ma'ārif al-Nizāmiyyah, n.d.



43. Ma'arif, Majīd, *Daramadī Bar Mutāla'āt Ḥadīthī dar Dawrān Mu'āṣir (An Introduction to Contemporary Hadith Studies)*, Tehran: SAMT, 1400 SH (2021 CE).
44. Ma'arif, Mohammad Hādī, *'Ulūm Qurānī (Quranic Sciences)*, Qom: al-Tamhīd, 1381 SH (2002 CE).
45. Makī, Ibn Abī Ṭalīb Qaysī, *Mushkil al-I'rāb al-Quran (The Difficulties of Quranic Syntax)*, Edited by Yāsīn Mohammad al-Sawwās, N.p., Intishārāt Nūr, 1362 SH (1983 CE).
46. Makram, 'Abd al-'Āl Sālīm, *Al-Quran al-Karīm wa Atharuhū fī al-Dirāsāt al-Nahwiyyah (The Noble Quran and Its Impact on Grammatical Studies)*, Egypt: Dar al-Ma'ārif, 1968 CE.
47. Manāwī, Mohammad 'Abd al-Ra'ūf, *Faḍl al-Qadīr Sharḥ al-Jāmi' al-Ṣaghīr (The Abundance of the Powerful: Commentary on the Lesser Compilation)*, Edited by Aḥmad 'Abd al-Salām, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1415 AH (1995 CE).
48. Mizzī, Jamāl al-Dīn Abū al-Ḥajjāj Yūsuf, *Tahdhīb al-Kamāl fī Asmā' al-Rijāl (Refinement of Perfection in the Names of Men)*, Edited by Dr. Bashār 'Awwād, Beirut: Mū'assasat al-Risālah, 1998 CE.
49. Muslim Nīsābūrī, Ibn Ḥajjāj, *Al-Ṣaḥīḥ (The Authentic)*, Beirut: Dar al-Fikr, n.d.
50. Muṣṭafawī, Hassan, *Al-Taḥqīq fī Kalmāt al-Quran al-Karīm (The Verification of the Words of the Noble Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah - Center for Publishing the Works of 'Allāmah Muṣṭafawī, n.d.
51. Mutqī Hindī, 'Alī bin 'Abd al-Malik, *Kanz al-'Ummāl (The Treasure of the Workers)*, Edited by Shaykh Bakrī Ḥiyānī and Shaykh Ṣafwat al-Suqā, Beirut: Mū'assasat al-Risālah, 1409 AH (1989 CE).
52. Mūtsikī, Harald, *Ḥadīth Islāmī: Khāstagāhā wa Sīr Taṭawwūr (Islamic Hadith: Origins and Development)*, Qom: Mū'assasah 'Ilmī Thaqāfī Dar al-Ḥadīth, 1390 SH (2011 CE).
53. Qalqashandī, Aḥmad bin 'Alī, *Ṣubḥ al-A'shā fī Ṣanā'at al-Inshā' (The Dawn of the Blind Man in the Art of Composition)*, Egypt: al-Mu'assasah al-Miṣriyyah al-'Āmmāh, n.d.
54. Qurṭubī, Mohammad bin Aḥmad, *Tafsīr al-Jāmi' li Aḥkām al-Quran al-Karīm (Exegesis of the Comprehensive Interpretation of the Noble Quran)*, Edited by Abū Ishāq Ibrāhīm Aṭfīsh, Beirut: Dar Ihya' al-Turāth al-'Arabī, 1405 AH (1985 CE).
55. Rāghīb Isfahānī, Hossein bin Mohammad, *Mufradāt Alfāz al-Quran (Unique Words of the Quran)*, Beirut: Dar al-Qalam, n.d.
56. Rajabzādah, Shabnam, Mostafīd, Ḥamīd Reza, & Ḥājī 'Abd al-Bāqī, Maryam, "Analysis of the Development of Reading Scales," *Studies in Quranic Recitations*, 11(20), 12-45. doi: 10.22034/qer.2023.8451.

57. Reza'ī Haftādar, Ḥassan, & Zāri'ī, Nafīṣah, "*Didgah Entigadi Goldziher dar Tashabuh Quran wa Ahdayn (A Critical Review of Goldziher's View on the Similarity of Quranic Recitations and the Two Testaments)*," Studies in Quranic Recitations, 11(20), 263-284. doi: 10.22034/qr.2023.8460.
58. Šabūnī, Abū 'Abd Allāh, *Nukat al-Intiṣār li Naql al-Quran (The Points of the Defense of the Transmission of the Quran)*, Edited by Mohammad Zaghlūl Salām, Alexandria: Mū'assasat al-Ma'ārif, 1971 CE.
59. Samarkandī, Naṣr bin Mohammad, *Al-Tafsīr (The Exegesis)*, Edited by Mahmūd Maṭrajī, Beirut: Dar al-Fikr, n.d.
60. Shalbī, 'Abd al-Fattāh, *Rasm al-Muṣḥaf wa al-Ihtijāj bihi fi al-Qirā'āt (The Script of the Quran and its Use in Recitations)*, Egypt: Maktabat al-Nahḍah, 1960 CE.
61. Sībawayh, 'Amr bin 'Uthmān, *Al-Kitāb (The Book)*, Egypt: Maktabat Būlāq, 1316 AH (1898 CE).
62. Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān bin Abī Bakr, *Al-Durr al-Manthūr (The Scattered Pearls)*, Beirut: Dar al-Ma'rīfah for Printing and Publishing, n.d.
63. Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān bin Abī Bakr, *Al-Iqtirāḥ fi 'Ilm Uṣūl al-Naḥw (The Proposal in Grammar Principles)*, Edited by Aḥmad Mohammad Qāsim, Qom: Offset Press for Seminary Publications, n.d.
64. Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān bin Abī Bakr, *Al-Ittiqān fi 'Ulūm al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Quran)*, Edited by Sa'īd al-Mandūb, Lebanon: Dar al-Fikr, 1416 AH (1996 CE).
65. Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān bin Abī Bakr, *Al-Jāmi' al-Ṣaghīr (The Lesser Compilation)*, Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution, 1401 AH (1981 CE).
66. Ṭabarī, Mohammad bin Jarrīr, *Jāmi' al-Bayān (The Comprehensive Explanation)*, Edited by Shaykh Khalīl Mays and Ṣidqī Jamīl al-'Aṭṭār, Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution, 1415 AH (1995 CE).
67. Ya'qūb, Amīl Badī', *Al-Mawsū'ah al-Ṣarf wa al-Naḥw wa al-I'rāb (The Encyclopedia of Morphology, Grammar, and Syntax)*, Translated by Qāsim Bustānī and Mohammad Reżā Yūsufī, Qom: Intishārāt I'tiṣām, 1420 AH (1999 CE).
68. Zarqānī, 'Abd al-'Azīm, *Manāhil al-'Irḥān (Sources of Knowledge)*, Beirut: Dar Aḥyā' li al-Kutub al-'Arabiyyah, n.d.